

مقالات ترجمه

ای

دانشمند شیعی، احمد عارف الزین (۱۹۶۰-۱۸۸۳)، از پیشگامان
نهضت در منطقه جبل عامل^{۳۰۸}

خالد سنداوی^{۳۰۹}، ترجمه رامک رامیار^{۳۱۰}

چکیده

موضوع این مقاله شناخت شیخ احمد عارف الزین (۱۸۸۳-۱۹۶۰ م.)، شخصیت برجسته شیعی در جبل عامل (جنوب لبنان امروزی) است. او در شرایط سخت لبنان در زمان حاکمیت عثمانی‌ها (و سپس فرانسوی‌ها) نقش مهمی در تاریخ این کشور، به‌خصوص جبل عامل، و نهضت در این منطقه داشته است.

مقاله با پرداختن به جوانی الزین و فعالیت‌های اجتماعی او (مانند افتتاح مدارس، تأسیس انجمن‌ها و تشکل‌ها، که در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی نقش فعال داشتند) آغاز می‌شود. با پرداختن به فعالیت‌های روزنامه‌نگاری او، از نوشتن در روزنامه‌ها و مجلات عربی تا انتشار

^{۳۰۸}. «العلامة الشیعی احمد عارف الزین (۱۸۸۳-۱۹۶۰) رائد من رواد النهضة فی جبل عامل»، مقالات تاریخیة تکریماً للأستاذ الدكتور بطرس أبومنہ، اعداد و تحریر: عطاالله قبطی، جونی منصور، مصطفی العباسی، موسسة الدراسات الفلسطينية، بیروت، ۲۰۱۱ م، صص ۱۳۹-۱۶۴.

^{۳۰۹}. مدرس دانشگاه‌های تل‌آویو، حیفا، کالج آموزش عربی دانشگاه حیفا و صاحب پژوهش‌های تخصصی متعدد در زمینه شیعه‌شناسی؛ از جمله کتاب التشریح الإسلامی فی مناهله، بیروت: بیت العلم للنابهین، ۲۰۰۴؛ من الشعراء الشیعة فی جبل عامل الشیخ أحمد رضا (۱۹۵۳-۱۸۷۲): أخباره و أشعاره، عمان: دار ابن بطوطة، ۲۰۰۷.

م-

^{۳۱۰} دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی rnk.rmyr@gmail.com

روزنامه *جبل عامل* و *مجلة العرفان*، همچنین فعالیت‌های تاریخی‌اش، از جمله تألیف کتاب *تاریخ صیدا* و نوشتن ده‌ها مقاله تاریخی - که در آن‌ها به ملی‌گرایی دعوت می‌کند - ادامه می‌یابد و با بررسی فعالیت سیاسی الزین و نقش او در مبارزه با فساد، همکاری‌اش در کنفرانس‌های متعدد با موضوع وحدت سوریه و نپذیرفتن قیمومت، که موجب دستگیری‌اش شد، پایان می‌گیرد.

مقاله به‌ویژه می‌پردازد به اندیشه‌ی الزین درباره‌ی زبان عربی و تأکید او بر میزان اهمیت و کارکرد زبان در محافظت از ملت عرب و هویتشان؛ همچنین نظریات او درباره‌ی تعلیم و تربیت را روشن می‌کند؛ چراکه در نظر او تعلیم و تربیت تنها شیوه‌ی صحیح پیشرفت، برتری جستن و آزادی هر ملت است. الزین تعلیم زنان را مقدم بر مردان می‌دانست. این مقاله همچنین به توضیح آراء دینی او می‌پردازد. او دین را برای حفظ ساختار و جلوگیری از فساد ضروری می‌دانست، اما ایمان داشت که انسان‌ها، فارغ از دین و نژاد و سرزمینشان با هم برادرند. در این مقاله به تألیفات الزین نیز پرداخته می‌شود. او دو کتاب تاریخی و یک رمان عاشقانه کوتاه نوشت؛ در انتشار چندین کتاب نیز همکاری داشت و دو کتاب مهم و فرهنگی کهن را تصحیح کرد؛ با این حال مهمترین کار او نشر *مجلة العرفان* بود. به‌واسطه‌ی همین مجله، او را در بسیاری از زمینه‌ها از پیشگامان نهضت در جبل عامل به شمار می‌آورند.

مقدمه

شیخ احمد عارف الزین (۱۹۶۰-۱۸۸۳ م.)، دانشمند شیعی^{۳۱۱}، از شخصیت‌های برجسته در تاریخ لبنان و به‌ویژه جبل عامل^{۳۱۲} است. در زمانه‌ای که لبنان زیر سلطه‌ی عثمانی‌ها (پیش از

^{۳۱۱} در این مقاله منظور از کلمه «شیعه» مشخصاً شیعه‌ی دوازده‌امامی است.

^{۳۱۲} محدوده‌ی جبل عامل آن‌طور که در گذشته شناخته می‌شد در جنوب از نهر قرن، که از شمال ترشبحا به دریای مدیترانه می‌ریزد، تا جنوب ده‌الزیب (ن.ک. محسن‌الأمین، *خطط جبل عامل*، بیروت: مطبعة الإنصاف، ۱۹۶۱، ۴۸)، در شمال از نهر الأولى که به دریای مدیترانه می‌رسد تا شمال صیدا، در غرب به دریای مدیترانه می‌رسد و در شرق به دره‌ای به نام عوبا که تا مصب رود العجر در دریاچه‌ی حوله کشیده می‌شود، و چنین است که مرز شرقی آن به ده‌البصه می‌رسد. بعضی از محققان محدوده‌ی جبل عامل را چنین مشخص می‌کنند: «وقتی از جبل عامل حرف می‌زنیم، منظورمان منطقه‌ای جغرافیایی در سرزمین شام است که محدوده‌ی تاریخی‌اش در شمال، رود

سلفی‌گری مصری در دوران انقلاب ۱۴۳

جنگ جهانی اول)، و سپس فرانسوی‌ها، در روزگار دشواری بود، او نقش سیاسی، ملی، اجتماعی، دینی، فکری و فرهنگی مؤثری در نهضت جبل عامل ایفا کرد.

احمد الزین در چنین زمانه دشواری رشد کرد و راهی را برگزید که دشواری‌ها و موانع فراوان داشت. بارها، به سبب مخالفتش با اشغال، تحت پیگرد قانونی قرار گرفت. با همه این دشواری‌ها، توانست در چند مجله [از عقایدش] بنویسد و در بیشتر زمینه‌ها، مشارکت فعالی در نهضت منطقه جبل عامل داشته باشد. به خصوص که اولین مجله شیعی به زبان عربی در جهان اسلام، و اولین مجله در جبل عامل را منتشر کرد، ما را بر آن داشت تا به تحقیق در زندگی او بپردازیم تا حق او را به جا آوریم؛ زیرا تا آنجا که می‌دانیم پژوهش مستقلی درباره او صورت نگرفته است.

اصلی‌ترین منبعی که از آن در نوشتن این مقاله استفاده کرده‌ایم مجله *العرفان* (منتشر شده در سال‌های ۱۹۰۹ تا ۱۹۷۱ م.) است، به سبب چاپ شدن مقالات الزین در آن و نیز مقالاتی که پسرش، نزار و دیگران درباره او در این مجله منتشر کرده‌اند.

نسب

الأولی و [شهرهای] جزین و مشغره، در شرق مرجعیون و بانیا و الحول، در جنوب الزیب، دره قرن، شهر سعسع فلسطین و دره فاره است؛ که امروزه استان جنوبی لبنان را تشکیل می‌دهد» (ن.ک. حسن محمد نورالدین، *مطارحات شعریه فی جبل عامل*، بیروت: دار الفکر اللبناني، ۱۹۹۱، ص ۱۷). درباره علت نامیده شدن این منطقه به جبل عامل، در تاریخ آمده است که سبأ ده پسر داشت که عامله یکی‌شان بود، هنگامی که فرزندان عامله در بعضی نواحی کوه‌های شام ساکن شدند، این منطقه را تا امروز به نام جدشان خواندند و عامله کوتاه شد و عامل خوانده شد. عاملیان یمنی بودند و قبیله عامله هنگام سیل العرم به شام آمدند و در کوهی نزدیک دمشق ساکن شدند که به جبل عامله معروف است. (ن.ک. علی الزین، *مع التاریخ العاملی*، صیدا: مطبعة العرفان، ۱۲۵۴، ص ۳۵). در قدیم به سرزمین‌های واقع در جبل عامل را به سبب نسبت به عامله، عامل یا عامله می‌نامیدند و به خود جبل عامل سرزمین بشاره، منسوب به شخصی به نام بشاره می‌گفتند. (ن.ک. محمد جابر آل صفا، *تاریخ جبل عامل*، بیروت: منشورات دار اللغه، ب.ت، ص ۲۴). مورخان بر اینکه نام‌گذاری این منطقه به سبب نسبت آن است به قبیله عامله بن سبأ یمنی اتفاق نظر دارند. (ن.ک. حسن محمد سعد، *جبل عامل بین الأتراک و الفرنسیین ۱۹۱۴-۱۹۲۰*، بیروت: دار الکتاب، ۱۹۸۰، ص ۱۵).

۱۴۴ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

نام او احمد علی عارف بن سلمان بن زین‌الدین بن موسی بن یوسف الزین النصاری الخزرجی العاملی الصیداوی^{۳۱۳} است. بنابراین منتسب است به خاندان الزین که وطن اصلی‌شان را در شحور^{۳۱۴}، به علت اختلافی که بین آن‌ها و خاندان آل صغیر پیش آمد، ترک کردند و در ثلث اول قرن نوزدهم به شهر صیدا آمدند.^{۳۱۵}

پدرش، حاج علی الزین، در سال ۱۸۵۳ در صیدا متولد شد و همانجا رشد کرد و به علم و ادب و تقوا مشهور شد؛ چنانکه به او «عالم الزعماء و زعیم العلماء» می‌گفتند. در دوران حیاتش در راه مشکل عرب‌ها در زمان حاکمیت عثمانی‌ها مبارزه کرد. می‌گویند که او با قایق‌ها و کشتی‌هایی که از لبنان به مصر می‌رفتند، بیانیه‌هایی ضد حکومت عثمانی و در حمایت از عرب‌ها و عربیت می‌فرستاد و این‌گونه بر حاکمان مستبد و اربابان فئودال می‌تاخت. حاج علی در سال ۱۹۳۰ در صیدا درگذشت. در آنجا تشییع و در موطن اصلی‌اش، شحور، دفن شد.^{۳۱۶}

نسب مادرش، «شاه زنان»^{۳۱۷}، به خانواده عسیران از خانواده‌های قدیمی شیعی ساکن صیدا^{۳۱۸} می‌رسید. او در زمان جنگ جهانی اول در شحور درگذشت.^{۳۱۹}

جد پدری‌اش، حاج سلیمان الزین، نویسنده، شاعر و ادیب بود و به نیک‌نظری و حسن تدبیر شهرت داشت. او در صیدا ساکن شد و با شراکت حاج حسن عسیران (پدر مؤسس مجله‌*العرفان*) به تجارت مشغول شد. حاج سلیمان سه پسر داشت که سومین آن‌ها، احمد

^{۳۱۳} نزار الزین، «مؤسس العرفان: حیات و وفاته»، العرفان، مجلد ۴۸، ج ۵-۶، ۱۹۶۱، ص ۴۰۷.

^{۳۱۴} شحور: شهری در منطقه قضاء صور در جنوب لبنان در ۹۵ کیلومتری بیروت. واژه شحور سریانی عبری است (ممکن است فینیقی باشد) از ریشه «شحر» به معنای سیاهی و تاریکی. (ن.ک. عقیف بطرس مرهج، *إعرف لبنان: موسوعه المدن و القرى اللبنانية*، بیروت: مؤسسه الأرز، ۱۹۷۱-۱۹۷۲، ج ۶، ص ۱۸۲).

^{۳۱۵} احمد عارف الزین، *تاریخ صیدا، صیدا: مطبعة العرفان*، ۱۹۱۳، ص ۱۵۵.

^{۳۱۶} ن. الزین، همان، ج ۵-۶، ص ۴۰۸.

^{۳۱۷} همان‌طور که در متن اصلی آمده: «والدته فُتسی "شاه زنان"». م-

^{۳۱۸} أ. الزین، همان، ص ۱۵۵.

^{۳۱۹} أ. الزین، «هی الدنيا»، العرفان، مجلد ۲۰، ج ۷، ۱۹۳۰، ص ۵۲۶.

صاحب مجله *العرفان* است.^{۳۲۰} جد مادری احمد، حاج حسن عسیران، از سرشناسان صیدا بود که او را به فضل و دانش دینی می‌شناختند.^{۳۲۱}

تولد و بالندگی

احمد عارف الزین در رمضان سال ۱۳۰۱ ق. / ۱۸۸۳ م. در شهر صور متولد شد. همانجا نزد روحانیان قرآن را فراگرفت. هفت ساله بود که قرآن را تمام کرد.^{۳۲۲} در سال ۱۹۰۴ خانواده‌اش به صیدا رفتند و چهار سال در آنجا ماندند. در این سال‌ها به مدارس رشیدییه و رسمیه رفت. محی‌الدین عسیران و منیر عسیران از جمله استادانش در این مدارس بودند.

یازده سالش که شد، پدرش او را به شهر نبطیه فرستاد تا به مدرسه ابتدایی برود. از جمله استادان او محمد جابر (ادیب و مورخ) بود. الزین مدت کوتاهی در آنجا ماند. سپس به مدرسه دینی نبطیه، که السید حسن یوسف آن را تأسیس کرده بود، فرستاده شد. این مدرسه معروف بود و شهرتش همه‌جا پیچیده بود. احمد عارف الزین در این باره می‌گوید:

این مدرسه دینی در زمان رئیس مرحومش، استادمان سید حسن یوسف^{۳۲۳} شهرت یافت و گل سرسبد مدارس جبل عامل شد. در آنجا علوم عربی را نزد شیخ احمد رضا و شیخ سلیمان ظاهر آموختم و زمانی که استادمان سید عبدالحسین شرف‌الدین از عراق بازگشت، مقداری اصول فقه نزد او خواندم.^{۳۲۴}

در همین زمان، الزین درس‌های مربوط به زبان را نیز فراگرفت. در این باره می‌گوید: «آموختن زبان فرانسه را نزد استاد خاصش شروع کردم؛ همان‌طور که مقداری فارسی و ترکی در نبطیه آموخته بودم و الان با هر سه زبان مانوسم».^{۳۲۵} سپس زبان انگلیسی را هم نزد دکتر

^{۳۲۰} أ. الزین، «تاریخ صیدا»، همان، ۱۵۶-۱۷۵.

^{۳۲۱} أ. الزین، «هی الدنيا»، همان، ج ۵، ص ۵۲۶.

^{۳۲۲} أ. الزین، «الشیخ أحمد عارف يتحدث عن سيرته و حياته»، *العرفان*، مجلد ۳، ج ۲۱، ۱۹۱۱، ص ۸۴۱.

^{۳۲۳} أ. الزین، «أحمد عارف: حياه و وفاته»، *العرفان*، مجلد ۴۸، ج ۳، ۱۹۶۰، ص ۴۰۸.

^{۳۲۴} المصدر نفسه، ص ۸۴۱.

^{۳۲۵} المصدر نفسه، ص ۸۴۲.

شریف عسیران آموخت.^{۳۲۶}

الزین وقتی در صیدا و نبطیه درس می‌خواند، به هر آنچه از کتاب‌های جدید و قدیمی به دستش می‌رسید علاقه نشان می‌داد و انتشار مجلات و روزنامه‌ها را جدی و مشتاقانه دنبال می‌کرد؛ خودش می‌گوید:

در آغاز تحصیل در نبطیه مجلات *المقتطف* و *المنار* را مطالعه می‌کردیم. بعضی مطالبی که در *مجله المقتطف* نوشته یا از مجلات اروپایی ترجمه می‌شد شبیه‌هایی برای ما پدید می‌آورد؛ این شبیه‌ها با مقالاتی که صاحب *مجله المنار* می‌نوشت و دین اسلام را به ذهن‌ها نزدیک می‌کرد، یا با اقتباساتی که از تفسیرهای مرحوم شیخ محمد عبده می‌آورد، از بین می‌رفت. ما *مجله المنار* را بسیار دوست می‌داشتیم، دیگران را به خواندنش تشویق می‌کردیم. ما و همه روشنفکران دیگر از آن با شگفتی و قدردانی یاد می‌کردیم ... اشتیاق ما به *المنار* افزون می‌شد و این علاقه را تا زمان عبدالحمید، با همه مخاطراتی که در آن [دوران] بود، حفظ کردیم.^{۳۲۷}

همه این‌ها اشتیاقی در او ایجاد کرد تا به محض آنکه فرصتی می‌یافت در روزنامه‌ها بنویسد. در آغاز شعر می‌سرود، ولی به نثر علاقه بیشتری داشت.^{۳۲۸} برای همین *مجله العرفان* (از سال ۱۹۰۹) و هفته‌نامه *جبل عامل* (از سال ۱۹۱۲) را تأسیس کرد و در آن‌ها از اندیشه‌ها و آرمان‌هایش نوشت.

فعالیت‌های اجتماعی

احمد الزین کارهای خیریه و اجتماعی فراوانی انجام داد و کمک‌های مادی بسیاری به این نوع فعالیت‌ها کرد. او انجمن‌ها و تشکل‌هایی تأسیس کرد که در مناطق مختلف جبل عامل نمونه‌های بسیاری از آن سر برآورد؛ چه آن‌ها که با رویکرد ادبی می‌خواستند علیه اسالیب کهن قیام کنند و با رویکرد جدید کار کنند، چه آن مؤسساتی که هدف اجتماعی و فرهنگی داشتند،

^{۳۲۶} شریف عسیران، «کلمته فی ذکری الیوبیل الذهبی لصاحب العرفان»، *العرفان*، المجلد ۳۹، ج ۱، ۱۹۵۱، ص ۱۶.

^{۳۲۷} أ. الزین، «یا دعاة التفرقة»، *العرفان*، المجلد ۱۷، ج ۴، ۱۹۲۹، ص ۴۰۳.

^{۳۲۸} ن. الزین، همان، ج ۵-۶، ص ۴۰۹.

سلفی‌گری مصری در دوران انقلاب ۱۴۷

که اولین هدفشان بنا کردن مدرسه و دانشکده بود.^{۳۲۹} احمد الزین در همه این کارها نقش اساسی مهمی داشت که منجر به پیشرفت جامعه در جبل عامل شد. از انجمن‌ها و تشکل‌هایی که الزین در آن‌ها نقش فعال داشت، می‌توان به این‌ها اشاره کرد:

الف) همکاری در تأسیس «جمعیه المقاصد الخیریه الإسلامیه در نبطیه»، که فعالیتش را از سال ۱۸۹۹ آغاز کرد. الزین یکی از اعضای فعال انجمن بود که داوطلبانه در زمان ریاست دکتر عبدالرحمن البرزی در دانشکده المقاصد الإسلامیه زبان و ادب عربی تدریس می‌کرد تا آن را به جایگاه شایسته‌ای برساند. این همکاری مهمی بود، در شرایطی که الزین، به‌خصوص در مجله *العرفان* و چاپخانه‌اش مشغله بسیار داشت.^{۳۳۰}

ب) همکاری در تأسیس جمعیه العلماء در نبطیه در سال ۱۹۱۰.

ج) تأسیس انجمنی در صیدا به نام «جمعیه نشر الفضیله و العلم»، در سال ۱۹۱۲، به‌همراه توفیق البساط (که به دستور حاکم عثمانی در ۶ آیار/ می ۱۹۱۶ اعدام شد). در آغاز گردهمایی در خانه الزین برگزار می‌شد و او را به ریاست انتخاب کردند. این انجمن هزینه فرستادن تعدادی از جوانان به مدارس عالیه و دانشگاه الأزهر مصر را پرداخت و در صیدا کتابخانه عمومی ساخت.

د) تأسیس «جمعیه الشبان المسلمین» که به ریاستش انتخاب شد.

ه) تأسیس «جمعیه الخیریه العاملیه»، در سال ۱۹۲۱، به کمک چند تن از رجال شیعه که در رأس آن‌ها محمد جمیل مروءه، پدر کامل مروءه (۱۹۷۶)، صاحب روزنامه *الحیاء* در لبنان (و بعد از آن در لندن) قرار داشت. این انجمن با خرید زمین و ساخت یتیم‌خانه این کار را پایه‌گذاری کرد. همچنین به ساختن حسینیه و آرامگاه و... اقدام کرد.^{۳۳۱}

و) همکاری در بنیان‌گذاری «المخیم العاملی» در سال ۱۹۴۵، که آن را چنین توصیف می‌کند:

^{۳۲۹} محمد کاظم مکی، *الحركة الفكرية والأدبية في جبل عامل*، بیروت: دار الأندلس، ط ۱، ۱۹۶۳، ص ۲۰۵-

۲۰۶.

^{۳۳۰} ن. الزین، همان، ج ۵-۶، ص ۴۱۲.

^{۳۳۱} أ. الزین، «خلاصة الأنباء»، *العرفان*، المجلد ۱۷، ج ۱، ۱۹۲۹، ص ۱۱۸.

اولین حرکت جوانان عامل [دعوت] از همه مذاهب بود که هدفش همکاری میان جوانان و اقدام به بازدید از ده‌های جنوبی و تقویت روحیه پایداری در جبل عامل است ... اولین حرکتی است که هدفش اشاعه روحیه کار و تحرک در میان جوانان فرهیخته و استفاده از آنان در خدمت به وطن است.^{۳۳۲}

احمد الزین دبیر کل قانونی این تشکل و کامل مروءه مجری طرح آن بود.

زندگی خانوادگی

احمد الزین در سال ۱۹۰۴ با امیره الزین، دختر عمویش (اسماعیل الزین) ازدواج کرد. امیره او را در رسیدن به آرزوهایی که در سینه داشت یاری کرد. آنها، جز یکی از فرزندانشان که مُرد، سه پسر به نام‌های «ادیب»، «نزار» و «زید» و پنج دختر به نام‌های «ادیبه»، «سلمی»، «فاطمه»، «می» و «عزه» داشتند.^{۳۳۳}

دانش و معارف احمد الزین

از آنجا که احمد الزین از صفات و فضایل بسیاری بهره داشت و دانش فراوان آموخته بود، در بسیاری از زمینه‌ها رهبر و پیشگام شد؛ تاجایی که او را «شیخ مجاهد»، «روزنامه‌نگار پیشرو»، «ادیب»، «شاعر»، «متفکر آزاده» و «مصلح اجتماعی» می‌شناختند.^{۳۳۴} صفات و ویژگی‌هایی که درباره الزین می‌گویند چهره دایرةالمعارف‌گونه‌ای از او می‌سازد و این به سبب علاقه شدید او به علم و یادگیری است. در صفحات بعد، کوتاه، به شخصیت احمد عارف الزین روزنامه‌نگار، مورخ، ادیب و شاعر می‌پردازیم.

احمد الزین روزنامه‌نگار

احمد الزین روزنامه‌نگاری پیشگام بود. این کار را از جوانی (سی‌سالگی) آغاز کرد. در این باره می‌گوید: «نوشتن را پنجاه‌وپنج سال پیش آغاز کردیم. در ابتدا در *ثمرات الفنون*^{۳۳۵} و

^{۳۳۲} مکی، همان، صص ۲۱۱-۲۱۳.

^{۳۳۳} ن. الزین، «الشیخ أحمد عارف الزین: حیاته-وفاته»، *العرفان*، المجلد ۴۸، ج ۵-۶، ۱۸۶۱، ص ۴۰۹.

^{۳۳۴} طلال المجذوب، «الشیخ أحمد عارف الزین رجل المناقب و المواقف»، *العرفان*، المجلد ۷۸، ج ۱-۲، ۱۹۹۴، ص ۱۰۵.

^{۳۳۵} روزنامه‌ای در بیروت که شیخ عبدالقادر قبانی آن را در سال ۱۸۷۵ م. تأسیس کرد.

الاتحاد العثماني^{۳۳۶} می‌نوشتیم، سپس در روزنامه حقیقه^{۳۳۷}، زمانی که در صیدا نماینده و خبرنگار این روزنامه بودم»^{۳۳۸}. احمد الزین با آنکه از نویسندگان اصلی این روزنامه‌ها بود، به نوشتن در آن‌ها بسنده نکرد و از سال ۱۹۰۹ مجله العرفان و نیز از سال ۱۹۱۲ هفته‌نامه جیل عامل را منتشر کرد؛ که فریادی آتشین و بانگی برنده بود.^{۳۳۹}

احمد الزین در مقالاتی که در روزنامه‌ها می‌نوشت خواستار آزادی مردم از ظلم و استعمار بود. خودش در این باره می‌نویسد: «موضوع همه نوشته‌های ما یا بیشترشان مبارزه با رهبران مستبد، کارمندان خائن رشوه‌گیر، و یاری رساندن به کسانی بود که برای گسترش آزادی و قانون به پا خاسته بودند».^{۳۴۰}

مقالاتی که احمد الزین با شجاعت و صداقت در روزنامه‌ها می‌نوشت، موجب شد حاکمان او را تحت پیگرد قرار دهند، آزار و اذیت، و در نهایت بازداشت کنند. او می‌نویسد:

... این حال و روز ما در عهد عثمانیان بود؛ در سال ۱۹۱۲، یک ماه و نیم زندانی شدیم. سپس همراه دیگران در سال ۱۹۱۵ دستگیر شدیم و روزنامه و مجله‌مان توقیف شد. حال و روزمان در دوره فرانسویان هم همین بود؛ مصیبت پشت مصیبت، از توقیف العرفان و آتش زدن نسخه‌هایش تا تحت نظر بودن و تبعید و زندان و... تا هر جا که فکرش را بکنید.^{۳۴۱}

احمد الزین مورخ

در نظر او، توجه به تاریخ و تاریخ‌نگاری از خدمات مهم به وطن بود. در مقدمه کتابی که درباره تاریخ صیدا نوشته است، می‌گوید: «در حال حاضر، خدمت به وطن مهم‌ترین خواسته ما و غایت آرزویمان است و چه خدمتی بالاتر از تاریخ‌نویسی!»^{۳۴۲}

^{۳۳۶} موسس آن احمد بن حسن بن محیی‌الدین طباره بود (شانزدهم ایار/ می ۱۹۱۶ در بیروت به دار آویخته شد).

^{۳۳۷} شاید منظور روزنامه حقیقه الأنخبار باشد که خلیل خوری سال ۱۸۸۳ در بیروت تأسیس کرد.

^{۳۳۸} العرفان، المجلد ۳۹، ج ۱، ۱۹۵۱، ص ۵.

^{۳۳۹} علی محمد مروء، «احمد عارف الزین»، العرفان، المجلد ۴۸، ج ۳، ۱۹۶۰، ص ۲۰۷.

^{۳۴۰} أ. الزین، «والذین جاهدوا فینا»، العرفان، المجلد ۳۹، ج ۱، ۱۹۵۱، ص ۵.

^{۳۴۱} المصدر نفسه.

^{۳۴۲} أ. الزین، «تاریخ صیدا»، همان، المقدمة.

الزین در کتاب تاریخش، به دور از هرگونه فشار، حب و بغض و تعصب به موضوع می‌پردازد و به قول خودش: «تمام چیزی که می‌خواهیم این است که سخن ما اثری که می‌خواهیم داشته باشد، [اگر نشد،] برایمان حسن نیت و ارزشمندی مقصودمان کافی است».^{۳۴۳} همچنین می‌نویسد:

ما در سخن گفتن از احوال گذشتگان و سیرت بازماندگان می‌ایستیم؛ به نیکان تاسی می‌جوییم و از بدان دوری می‌کنیم؛ چراکه تاریخ، چنان که می‌پندارند، دروغ نیست؛ حقیقت جاودان است. بله، در کتاب‌های تاریخ دروغ‌های فراوانی هست که با عقل و نقل سازگار نیست، اما پژوهشگر آگاه خوب و بد را از هم جدا می‌کند.^{۳۴۴}

الزین، در کتاب‌های تاریخی که می‌نوشت، به موضوع کتاب بسنده نمی‌کرد، بلکه پا را فراتر می‌گذاشت و به تحریک روحیه وطن‌پرستی می‌پرداخت، همانطور که کتاب *تاریخ صیدا* را تبدیل به فراخوانی برای جهاد کرد؛ آنجا که نوشت: «شک نداریم زمانی که هموطنان ما در صیدا بر تاریخ بازمانده از اجدادشان درنگ کنند، از خواب دست می‌کشند و جبران مافات می‌کنند...»^{۳۴۵}

احمد الزین با نوشتن چند کتاب تاریخی ایمان خود به تاریخ و نقش آن در زندگی ملت‌ها را عملاً نشان می‌دهد. در صدر این کتاب‌ها، *تاریخ صیدا* (۱۹۱۳)، و *مختصر تاریخ الشیعه* (۱۹۱۴) است. علاوه بر این‌ها ده‌ها مقاله و تحقیق در *مجله العرفان* و جاهای دیگر نوشت و نیز گشودن بخش‌هایی در مجله برای این نوشته‌های تاریخی است.^{۳۴۶}

احمد الزین شاعر و ادیب

او از کودکی ادیب و شاعر بود. ویژگی سبک او سادگی و استواری زبان بود. نثر او معروف

^{۳۴۳} مکی، «أحمد عارف الزین: متعدد العطاءات فی وحدة رسالیة و رسوليّة»، *العرفان*، المجلد ۷۸، ج ۳-۴، ۱۹۹۴، ص ۸۹-۱۰۰.

^{۳۴۴} أ. الزین، «التربية والتعليم، تربية الناشئة و تعليمها»، *العرفان*، المجلد ۳، ج ۱۴-۱۵، ۱۹۱۱، ص ۵۲۵.

^{۳۴۵} أ. الزین، «تاریخ صیدا»، همان، المقدمة.

^{۳۴۶} طلال المجذوب، «أحمد عارف الزین: رجل المناقب و المواقف»، *العرفان*، المجلد ۷۸، ج ۱-۲، ۱۹۹۴، ص

است و جز در مجله *العرفان* و روزنامه *جبل عامل*، نمونه‌های بسیاری از آن در مجلات و روزنامه‌های متعدد دیگر منتشر شده است؛ چنانکه از برجسته‌ترین مقاله‌نویسان جهان عرب است. شعر او به خوبی نثرش نیست و تعلق خاطرش به شعر نیز کمتر است، ولی چند شعر خوب هم سروده است. شعرهایش در جاهای مختلف، به صورت پراکنده، چاپ شده و جمع‌آوری نشده است.^{۳۴۷} خانه او - مثل چند خانه دیگر در صیدا، از جمله منازل توفیق الجوهری و نورالدین الجوهری و الشیخ احمد جلال‌الدین و عباس الحر - پاتوق ادیبان و متفکران بود.^{۳۴۸}

بهترین داوری درباره‌ی الزین سخن شیخ محمدجواد مغنیه است:

شیخ عارف نویسنده بود، اما نه به بزرگی طه حسین. شاعر بود، اما نه به توانمندی احمد شوقی. روزنامه‌نگار بود، ولی نه به هنرمندی علی امین و مصطفی امین؛ اما نویسنده‌ای آزاده، شاعری صادق، روزنامه‌نگاری متعهد، و در برابر خدا و تاریخ مسئول بود. شیخ عارف روزنامه‌نگاری را وسیله‌ی نان خوردنش نکرد. او باید برای همه‌ی روزنامه‌نگاران نسل امروز مثل اعلای صداقت، شجاعت و صراحت باشد، بلکه باید در ترجیح حق بر خودش، خواسته‌هایش و فرزندانش الگوی عالمان و ادیبان باشد.^{۳۴۹}

وفات

احمد الزین در [روز] پانزدهم تشرین‌الاول / اکتبر ۱۹۶۰، در شهر مشهد در ایران، هنگام زیارت مقبره‌ی امام هشتم (ت. ۸۱۸ م.)^{۳۵۰} درگذشت. پس از مرگش رئیف خوری نوشت:

و بدین‌سان، زندگی مردی از مردان عامل به پایان رسید؛ زندگی‌ای سرشار از کار و تلاش

^{۳۴۷} ن. الزین، «مؤسس العرفان...»، همان، ج ۵-۶، ص ۴۰۹.

^{۳۴۸} ن. الزین، «احمد عارف الزین، صاحب العرفان، حیاته - انتقاله إلى توفیق الأعلی»، العرفان، المجلد ۴۸، ج ۳، ۱۹۶۰، ص ۲۰۳.

^{۳۴۹} محمد جواد مغنیه، «الشیخ أحمد عارف الزین أعلی فی الإخلاص و الجرأة و الصراحة»، العرفان، المجلد ۴۸، ج ۵-۶، ۱۹۶۱، ص ۵۰۰.

^{۳۵۰} برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به:

و کوشش در راه رضای خدا و خدمت خلق و پیشبرد مردم و وطنش. با وفات او آخرین و گرانبها ترین مهره از گردنبند روزنامه‌نگاری عربی در لبنان را از دست دادیم.^{۳۵۱}

جمعیت زیادی که در صف اولشان علما و مشاهیر کشوری و علمی بودند، او را از مسجد «ملاهاشم» مشهد تا صحن بارگاه امام رضا(ع) تشییع و در حرم آن حضرت کنار مقبره شیخ یمانی عاملی (۱۶۲۲ م.) و دیگر علمای شیعی دفن کردند. در ایران علمای دین عزاداری بزرگی برای او در مسجد گوهرشاد برگزار کردند که جمع کثیری از علمای مشهور دینی، خبرنگاران و استاندار خراسان در آن حاضر شدند و خطیبان مقام و فضل او را ستودند.^{۳۵۲}

خبر درگذشت احمد الزین روز دوشنبه ۱۷ تشرین‌الاول /اکتبر ۱۹۶۰ به هموطنانش رسید. وقتی خبر پخش و آگهی فوت منتشر شد، مردمان، حیران و خاموش، دسته‌دسته، در گروه‌های سازمان‌یافته یا خودجوش، راهی خانه او در صیدا شدند. همچنین پادشاهان، رؤسای جمهور، شخصیت‌های علمی و ادبی هزاران تلگراف و صدها نامه از سرزمین‌های دور و نزدیک در تسلیت این فقدان بزرگ فرستادند.^{۳۵۳}

روزنامه‌ها و مجلات خبر درگذشت او را در صفحات اول خود، به همراه تکمله‌ای درباره زندگی، رفتار و فداکاری‌هایش در راه وطن و ملتش آوردند. برای بزرگداشت او در بسیاری از شهرها و روستاهای لبنان و کشورهای عربی و اسلامی، به‌خصوص در دمشق، عربستان سعودی، عراق، کویت، بحرین، پاکستان، افغانستان، آذربایجان و اندوژی مراسم عزاداری برگزار شد.^{۳۵۴} بعد از وفاتش در یک هفته، چندین مراسم بزرگ در شهر صیدا برگزار شد که چنان جمعیتی آمدند که خانه‌ها، حیاط‌ها، اتاق‌ها و میدان قلعه صیدا برایشان کافی نبود. در این برنامه‌ها خطیبان بسیاری سخن گفتند و شعرهایی در تمجید فضایل، مناقب و علمش خوانده

^{۳۵۱} رئیف خوری، «النقد و القومیة العربیة»، *العرفان*، المجلد ۴۵، ج ۵، ۱۹۵۸، ص ۴۲۰-۴۲۲.

^{۳۵۲} «جزء من البرقیات المعزیة بصاحب *العرفان*»، *العرفان*، المجلد ۴۸، ج ۵-۶، ۱۹۶۱، ص ۴۴۹-۴۸۰.

^{۳۵۳} «الفواتح و الحفلات»، *العرفان*، المجلد ۴۸، ج ۵-۶، ۱۹۶۱، ص ۵۷۵-۵۷۹.

^{۳۵۴} «نقص علیک من أنبائها، صاحب *العرفان*: سفره الی ایران، خبر وفاته و التعزیة الأسبوعیة»، *العرفان*، المجلد

۴۸، ج ۳، ۱۹۶۱، ص ۳۰۴.

آراء و افکار

احمد الزین در سطوح مختلف به بسیاری از دغدغه‌های جوامع مسلمان و عرب پرداخت. با داشتن بیش از نیم قرن تجربه و مهارت در روزنامه‌نگاری، سیاست و مبارزه، موافقان و مخالفان بسیاری در مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تربیتی و دینی یافته بود. از خلال آراء و افکارش در ادامه مقاله می‌توان به اهداف واضح و روشن او پی برد:

آراء سیاسی

احمد الزین از جوانی با مشارکت در همه فعالیت‌های سیاسی زمان خودش در سیاست غوطه‌ور شد. اصلی‌ترین هدف سیاسی‌اش آگاهی‌اش دادن به همه مردم علیه هرگونه ظلم و فساد والیان منصوب سلاطین عثمانی در اداره شهرها بود. احمد الزین پنهان و آشکار با این ظلم مبارزه می‌کرد؛ از جمله با قلم تیزش درباره والیان عثمانی و اقداماتشان. اولین بار او را در ۱۲ آذار/مارس ۱۹۱۲ محاکمه و به پرداخت هفت لیره عثمانی محکوم کردند. اتهامش توهین به طلعت أفندی الکردی، والی صیدا، در دو مقاله چاپ‌شده در روزنامه *جبل عامل* بود.^{۳۵۶}

تهمت‌ها و فشار سرداران سپاه عثمانی به احمد الزین ادامه یافت. از جمله این فشارها محاکمه او در دادگاه نظامی در بیروت (۱۹ نisan/اپریل ۱۹۱۲) بود که در آن به یک ماه و نیم حبس و تعطیلی روزنامه *جبل عامل* به همان مدت و پرداخت ده لیره عثمانی محکوم شد. اتهامش در این محاکمه انتقاد به حکم دادگاه نظامی، برای بازداشت صاحبان دو روزنامه *البلاغ* و *المقتبس* بود.^{۳۵۷} الزین سپس وارد چند انجمن سرّی شد که با ترک‌ها مبارزه و در راه استقلال سرزمین‌های عربی فعالیت می‌کردند؛ از جمله این انجمن‌ها می‌توان به جمعیه الإصلاح، جمعیه الشیبیه العربیه، جمعیه العهد^{۳۵۸} و جمعیه نشر العلم (که به ریاست آن انتخاب

^{۳۵۵} المصدر نفسه.

^{۳۵۶} جریده «جبل عامل»، العدد ۲۰، ۳۱/۵/۱۹۱۲.

^{۳۵۷} أ. الزین، «القضية العربیه فی أدارها»، العرفان، المجلد ۳۱، ج ۷-۸، ۱۹۴۵، ص ۳۱۵.

^{۳۵۸} أ. الزین، «تاریخ صیدا»، ص ۱۲۳.

شد) اشاره کرد.^{۳۵۹} الزین با جمعیه العربیه الفتاؤه نیز، با اسم مستعار «زهیر» و شماره سازمانی ۳۴ همکاری می‌کرد و از اعضای اصلی آن در صیدا بود.^{۳۶۰}

احمد الزین همچنین از کنفرانس‌های عربی که در بیروت (روزهای ۱۶/۱/۱۹۲۳ و ۱۰/۳/۱۹۲۳) و دمشق (روز ۲۳/۶/۱۹۲۸) تشکیل شد، حمایت و در آنها شرکت کرد. موضوع این کنفرانس‌ها کمک به فعالیت‌های اصلاح‌طلبانه عرب‌های مقیم سرزمین‌های تحت حکومت عثمانی برای نپذیرفتن حاکمیت مرکزی بود.^{۳۶۱}

زمانی که عبدالکریم الخلیل، در ۱۸ تشرین‌الاول/ اکتبر ۱۹۱۴ به نمایندگی از جمعیه الثوره العربیه، برای باز کردن شاخه‌های انقلابی این انجمن وارد جبل عامل شد، احمد الزین به نمایندگی این حزب در صیدا منصوب، و چاپخانه و خانه‌اش به پایگاه این انجمن تبدیل شد.^{۳۶۲}

با فاش شدن کار این انجمن انقلابی معارض با حکومت ترک‌ها، بسیاری از اعضای این انجمن دستگیر شدند تا به جرم توطئه علیه دولت عثمانی و فعالیت برای استقلال سرزمین‌های عربی در دادگاه عالی نظامی، به ریاست والی جمال پاشا، حاضر شوند. شیخ احمد الزین را نیز، بعد از آنکه به خانه و چاپخانه‌اش هجوم بردند، بازداشت کردند. دادگاه با زندانی شدن عبدالکریم خلیل و یارانش و اعدام آنها در بیروت و دمشق پایان یافت. شیخ احمد الزین بعد از بیست‌وسه روز که به تحقیق درباره او گذشت، آزاد شد؛ او را در این مدت «شهید زنده» می‌نامیدند.^{۳۶۳} از آن پس مجبور شد از صحنه سیاست فاصله بگیرد؛ انتشار مجله و روزنامه‌اش را متوقف کند؛ از شغل روزنامه‌نگاری کناره بگیرد؛ به مزرعه کوچکی که متعلق به همسرش بود،^{۳۶۴} پناه ببرد و به کشاورزی مشغول شود «در جست‌وجوی زندگی و فرار از قیل و قال

^{۳۵۹} «مختارات الصحف جمعیه الفتاؤه»، العرفان، المجلد ۲۸، ج ۵، ۱۹۳۸، ص ۴۷۱.

^{۳۶۰} أ. الزین، «القضية العربیه فی أدوارها»، العرفان، المجلد ۳۱، ج ۷-۸، ۱۹۴۵، ص ۳۱۵.

^{۳۶۱} آل صفا، «تاریخ جبل عامل»، همان، ص ۲۱۱.

^{۳۶۲} العرفان، المجلد ۲۸، ج ۵، ۱۹۳۸، ص ۴۷۱.

^{۳۶۳} أ. الزین، «بین الحربین أو بین الحربین»، العرفان، المجلد ۴۸، ج ۸-۹، ۱۹۳۹، ص ۴۱۹.

^{۳۶۴} ن. الزین، «مؤسس العرفان...»، ج ۵-۶، ص ۴۱۲.

فراوان».^{۳۶۵}

جنگ جهانی اول به سیطره عثمانی‌ها بر سرزمین‌های عربی پایان داد و در نشستی که متفقین در ۲۵ نisan/اپریل ۱۹۲۰ برگزار کردند، این سرزمین‌ها به قیمومت فرانسه و انگلیس درآمد.^{۳۶۶} احمد الزین به‌همراه عده‌ای دیگر به مخالفت و اعتراض علیه حکم قیمومت فرانسه بر جبل عامل برخاستند.^{۳۶۷} او همچنین برای وحدت سوریه تلاش کرد؛ چراکه سرزمین‌های یکپارچه را بهتر از سرزمین‌های تجزیه‌شده می‌دانست. «می‌توانیم برای بیداری وطن و کاستن از جور قیمومت دست به دست هم دهیم».^{۳۶۸} او در این رویارویی هرگونه همکاری با قیمومت فرانسوی را رد می‌کرد و خواستار وحدت سوریه، به رهبری ملک فیصل اول^{۳۶۹} بود و هر امکانی خارج از چهارچوب این وحدت را قاطعانه رد می‌کرد؛ به‌خصوص مخالف شکل‌گیری دولتی جدا از سوریه، موسوم به دولت «لبنان کبیر» (متشکل از جبل عامل، حاصییا، راشییا، معلقه و بعلبک) بود.^{۳۷۰} احمد الزین در همه فعالیت‌ها و جنبش‌ها شرکت می‌کرد و آزادی‌خواهان عرب نیز در کنار او در مخالفت با تقسیم سرزمین‌های عربی و قرار گرفتنشان تحت قیمومت فرانسه و انگلیس به پا خاستند. از فعالیت‌های سیاسی او در این زمینه به چند مورد اشاره می‌کنیم:

- کنفرانس ملی که در سال ۱۹۲۵ با موضوع دعوت به مقابله با مشروعیت دولت لبنان کبیر در بیروت برگزار شد.^{۳۷۱}

- امضای دادخواستی همراه بزرگان صیدا (۹ کانون الثانی/ژانویه ۱۹۲۶) در مخالفت با

^{۳۶۵} أ. الزین، «حول معاهدة کلیمتسو-فیصل»، *العرفان*، المجلد ۱۸، ج ۵، ۱۹۲۹، ص ۵۳۹.

^{۳۶۶} أحمد سرحال، *النظم السیاسیة و الدستوریة فی لبنان و البلاد العربیة*، بیروت: دار الباحث للطباعة و النشر و التوزیع، ط ۱، ۱۹۸۰/۱۶۰۱، ص ۸۰.

^{۳۶۷} أ. الزین، «فاتحة العرفان»، *العرفان*، المجلد ۱۸، ج ۱-۲، ۱۹۲۹، ص ۲.

^{۳۶۸} «السؤال و الجواب»، *العرفان*، المجلد ۱۵، ج ۹، ۱۹۲۸، ص ۱۱۷۲.

^{۳۶۹} آل صفا، «تاریخ جبل عامل»، ص ۲۳۰.

^{۳۷۰} سرحال، ص ۸۰.

^{۳۷۱} أ. الزین، «هذا بیان للناس»، *العرفان*، المجلد ۳۸، ج ۱، ۱۹۵۰، ص ۳.

- دولت لبنان کبیر و قانون اساسی اش که آماده شده بود.^{۳۷۲}
- شرکت در کنفرانس اول سوریه که در دمشق برگزار شد (۲۲ حزیران/ژوئن ۱۹۲۸) و شرکت‌کنندگان خواهان وحدت کامل سوریه بودند.^{۳۷۳}
- شرکت در کنفرانسی که در منزل سلیم علی سلام برگزار شد (۱۶ کانون الاول/دسامبر ۱۹۳۳) و در آن نمایندگان از بیروت، طرابلس، صیدا، صور و جبل عامل حاضر شدند تا درباره سرنوشت وطنشان گفت‌وگو کنند.^{۳۷۴}
- شرکت در کنفرانس منطقه ساحل که در منزل سلیم علی سلام برگزار شد (۱۰ آذار/مارس ۱۹۳۶)؛ موضوع این کنفرانس مخالفت با قیمومت فرانسه و حفظ وحدت سوریه و مخالفت با الحاق آن به لبنان بود.^{۳۷۵}
- ریاست کمیسیون دفاع از فلسطین که بعد از ناآرامی‌هایی که در فلسطین در آن روزگار رخ داد، در حمایت از فلسطینی‌ها تشکیل شد.^{۳۷۶}
- تشکیل «کنفرانس وحدت سوریه» به دعوت او، در منزل شیخ عباس الحر در صیدا (۵ تموز/ جولای ۱۹۳۶) همزمان با مذاکرات فرانسه-سوریه در پاریس با موضوع وحدت سوریه و حاکمیت قومی.^{۳۷۷}
- عضویت در هیئت نمایندگان جبل عامل در فعالیت‌های کنفرانس قومی عربی که در بلودان (از بیلاق‌های سوریه) برگزار شد (۸ آب/اوت ۱۹۳۷)؛ هدف این کنفرانس لغو بیانیۀ

^{۳۷۲} نزیه حسنی، «صیدا حاضرة الجنوب: تاریخا السیاسی و الإجتماعی»، الباحث، ج ۲-۳، ۱۹۸۱، ص ۹۳.

^{۳۷۳} أ. الزین، «الوحدة السوریة»، العرفان، المجلد ۳۲، ج ۵، ۱۹۴۶، ص ۴۰۳-۴۰۴.

^{۳۷۴} سلیم علی سلام، مذاکرات سلیم علی سلام ۱۹۳۱-۱۹۳۸، قدّم لها و حقّقها و علّق علی هوامشها الدكتور حسان خلاق، بیروت: دار الجمعیة للطباعة و النشر، ط ۱، ۱۹۸۲، ص ۸۱.

^{۳۷۵} المصدر نفسه، ص ۸۲.

^{۳۷۶} منیر الخوری، صیدا عبر حقب التاريخ من ۱۸۰۰ قبل المیلاد إلی ۱۹۶۶ (بیروت: منشورات المکتب التجاری للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۹۶۶)، ص ۳۳۲.

^{۳۷۷} حسنی، ج ۲-۳، ص ۹۵.

بالفور، لغو قیمومت و مخالفت با تقسیم فلسطین بود.^{۳۷۸}
نمونه‌هایی که آوردیم، از جمله: مخالفتش با تقسیم شدن سرزمین‌های عربی با قیمومت دو قدرت فرانسه و انگلیس، مطالبه دائمی وحدت سوریه و حفظ وحدت فلسطین و رد کردن هرگونه قیمومت، موجب شد به دست قیّمان قدرتمند فرانسوی تبعید و بارها در سال‌های ۱۹۲۵ و ۱۹۲۸ و ۱۹۳۶ بازداشت شود.^{۳۷۹}

با وجود تمام فشارها و زیان‌هایی که احمد الزین بر اثر عقاید سیاسی‌اش متحمل شد، هنگام جنگ جهانی دوم با ورود انگلیسی‌ها به لبنان خواست فعالیت‌های سیاسی‌اش را دنبال کند. او در این زمان از عرصه سیاست به دور بود و در مزرعه‌اش در بستیات با درآمد ناچیزی کشاورزی می‌کرد. او به‌رغم پیشنهادهایی که دولت انگلیس برای تطمیعش داده بود، بر مواضع خود پای فشرد تا آنجا که یکی از افسران انگلیسی به او گفت: «تو شریف‌ترین کسی هستی که در این سرزمین شناخته‌ایم».^{۳۸۰} همچنین چند تن از دوستانش با او دشمنی کردند؛ تا آنجا که از رسیدن کاغذ به مجله او جلوگیری می‌کردند؛ به طوری که چاپ مجله متوقف می‌شد. با این همه احمد الزین از خط‌مشی سیاسی خود سرسوزنی پا پس نکشید.

درباره فرهنگ و زبان

بنیان اندیشه فرهنگی و زبانی شیخ احمد الزین بر استفاده زبان عربی صحیح و بدون غلط، دور از بازی‌های سیاسی و غرب‌زدگی متمرکز بود. دیدگاه فرهنگی او کاملاً با دیدگاه سیاسی‌قومی‌اش، که عرب‌ها را به وحدتی بر مبنای زبان عربی دعوت می‌کرد، منطبق بود.
الزین پیشرفت زبان را به پیشرفت صاحبانش مربوط می‌دانست. در نظر او زبان:
با عزت کسانی که با آن حرف می‌زنند گرانقدر می‌شود، با پیشرفتشان پیشرفت می‌کند و با انحطاطشان نابود می‌شود. زبان نمی‌تواند بدون حمایت دولتی نیرومند کاخ بزرگی و کمال را

^{۳۷۸} أ. الزین، «مؤنمر بلودان»، *العرفان*، المجلد ۲۷، ج ۶، ۱۹۳۷، ص ۴۴۳؛ شفیق الأرنؤوط، «أديب مجاهد و

مجلة رائدة» في *وجوه ثقافية من الجنوب*، بيروت: دار ابن خلدون، ۱۹۸۱، ص ۴۸-۴۹.

^{۳۷۹} أ. الزین، «فاتحة العرفان»، *العرفان*، المجلد ۳۰، ج ۱-۲، ۱۹۴۰، ص ۶.

^{۳۸۰} المصدر نفسه، ج ۱-۲، ص ۶.

تصرف کند.^{۳۸۱}

از این منظر بود که عرب‌ها را به دفاع از زبانشان تشویق می‌کرد؛ چراکه با انقراض زبانشان از بین می‌رفتند.^{۳۸۲}

او می‌نویسد: «زبان عربی از مهمترین زبان‌های زنده است، با غنی‌ترین الفاظ و معانی و گسترده‌ترین واژه‌ها و مترادفات».^{۳۸۳} الزین نشان داد ترویج عامیانه‌نویسی موجب ضعف و زوال زبان می‌شود.^{۳۸۴}

احمد الزین بر حفظ زبان عربی فصیح برای حفظ ملت و هویت آن تأکید می‌کرد. از نظر او، نقصان و نارسایی زبان عربی سببش زبان فصیح و رسمی نیست؛ زیرا با این زبان بود که «در دوران طلایی، انواع علوم و فنونی که عرب‌ها به آن دست یافتند پیشرفت کرد»؛^{۳۸۵} بلکه این نارسایی از آنجاست که «افراد برجسته حوزه‌های زبان، علم و ادبیات به وضع اسم برای اختراعات جدید اقدام نمی‌کنند؛ فارغ از اینکه این اسم‌ها خلاقانه، ساختگی یا اشتقاقی باشد».^{۳۸۶}

دربارهٔ تعلیم و تربیت

الزین «تربیت» را چنین تعریف می‌کند: «تربیت وسیلهٔ رشد حالات فطری، عقلی و ادبی، همچنین مکملی اجباری برای تعلیم و نیز دانش اصلاح گروه‌های اجتماعی است.» در نتیجه، تربیت در نظر او از ضروریات زندگی و از عناصر سازندهٔ جوامع بشری است.^{۳۸۷} احمد الزین معتقد بود که تعلیم و تربیت راه درست پیشرفت، سعادت، آزادی و قدرت یک ملت است. در این باره می‌گوید: «ای مردم! اگر فضیلت و قدرت، مجد و شرف و اعتماد به نفس و استقلال

^{۳۸۱} أ. الزین، «الصحف الوطنية و اللغة العربية»، العرفان، المجلد ۱۱، ج ۲، ۱۹۲۵، ص ۱۱۶.

^{۳۸۲} أ. الزین، «اللغة العربية»، العرفان، المجلد ۶، ج ۵-۶، ۱۹۲۱، ص ۲۰۴.

^{۳۸۳} أ. الزین، «حول اللغة العربية»، العرفان، المجلد ۶، ج ۸، ۱۹۲۱، ص ۳۵۳.

^{۳۸۴} أ. الزین، «العربية الفصحى»، العرفان، المجلد ۱، ج ۲، ۱۹۰۹، ص ۹۰.

^{۳۸۵} أ. الزین، «حول اللغة العربية»، همان، المجلد ۶، ج ۸، ص ۲۵۳.

^{۳۸۶} أ. الزین، «تعزيز اللغة العربية»، العرفان، المجلد ۱۴، ج ۲، ۱۹۲۷، ص ۱۲۱.

^{۳۸۷} أ. الزین، «التربية و التعليم، تربية الناشئة و تعليمها»، العرفان، المجلد ۳، ج ۱۱، ۱۹۱۱، ص ۴۰۲-۴۰۳.

می‌خواهید، برای تعلیم و تربیت درست بکوشید.»^{۳۸۸} او تعلیم و تربیت را چنان ملازم یکدیگر می‌دانست که در نظرش هیچ‌کدام بدون دیگری نمی‌توانست وجود داشته باشد.^{۳۸۹} الزین معتقد بود که باید به کودکان زندگی مستقل را آموخت تا در بزرگسالی متکی [به دیگران] نباشند. همچنین باید آنان را به کار در شرایط سخت و آسان عادت داد تا جسمشان نیرومند و استعداد و تربیتشان شکوفا شود.^{۳۹۰} پیشنهاد او برای این کار تربیت دینی بود. دین در اندیشه او «بهترین بند برای بستن انسان است؛ بندی که او را به اخلاق نیک نزدیک و از عادات زشت دور می‌کند و هیچ چیز نمی‌تواند جایگزین بند دین شود»؛^{۳۹۱} ولی این تربیت باید صحیح و به‌دور از هر گونه اجبار و فشار باشد. «پدر و مادر باید با تلقین تدریجی قواعد و فضایل دینی به فرزندشان، متناسب با فهم و استعدادش، او را به زیور دین آراسته کنند؛ و گرنه به او زیان می‌رسانند.»^{۳۹۲}

احمد الزین تأکید می‌کرد که تربیت زنان راه پیشرفت جامعه است: «اگر ملتی می‌خواهد پیشرفت کند باید پیش از مردان، تعلیم زنان و ساختن مدرسه برای آنان را همگانی کند؛ چراکه زنان پرورنده کودکانند و همچون قطب آسیاب عالم.»^{۳۹۳}

درباره دین

احمد الزین دین را برای حفظ نظام عالم و سامان گرفتن امور ضروری می‌داند و می‌گوید: به‌راستی که دین برای همه جهانیان لازم است؛ و گرنه هرج و مرج غالب می‌شود و نظام آسیب می‌بیند. آن روز که دین از سیمای ساده خودش دست بکشد، همان روزی است که اقوام و ملت‌ها به‌آرامی نابود می‌شوند.^{۳۹۴}

^{۳۸۸} أ. الزین، «التربية والتعليم»، *العرفان*، المجلد ۶، ج ۵-۶، ۱۹۲۱، ص ۱۹۲-۲۰۸.

^{۳۸۹} المصدر نفسه، المجلد ۶، ج ۹-۱۰، ص ۴۶۱.

^{۳۹۰} أ. الزین، «التربية والتعليم، تربية الناشئة وتعليمها»، همان، المجلد ۳، ج ۱۱، ص ۴۰۳.

^{۳۹۱} المصدر نفسه، المجلد ۳، ج ۱۴، ص ۵۲۲.

^{۳۹۲} المصدر نفسه، المجلد ۳، ج ۱۲، ص ۴۴۴.

^{۳۹۳} أ. الزین، «تربية البنات»، *العرفان*، المجلد ۱، ج ۲، ۱۹۰۹، ص ۸۳.

^{۳۹۴} أ. الزین، «هل فی هذا التذکار معتبر و مزدجر»، *العرفان*، المجلد ۵، ج ۳، ۱۹۱۴، ص ۹۷.

او دین را مانع فساد و اعمال زشت می‌دانستو در نظر او «دین بازدارنده از زشتی‌ها، تشویق‌کننده به خوبی‌ها، بالنده در همه جوامع بشری تا قله کمال، راه‌رونده در طریق رشد در جهان انسانی است».^{۳۹۵} به عقیده او تعالیم دینی آدمیان را به برادری دعوت می‌کند؛ همان‌طور که در قرآن آمده است: «[بدی را] به آنچه خود بهتر است دفع کن؛ آنگاه کسی که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی یکدل می‌گردد»^{۳۹۶} و در انجیل لوقا آمده است:

لیکن ای شنوندگان، شما را می‌گویم دشمنان خود را دوست دارید و با کسانی که از شما نفرت کنند، احسان کنید. و هر که شما را لعن کند، برای او برکت بطلبید و برای هر که با شما کینه دارد، دعای خیر کنید.^{۳۹۷}

احمد الزین معتقد بود اصل و ذات دین‌ها یکی است: «دل‌نگران خودتان و دیتان باشید و بدانید که همه ادیان یک اصل و ریشه دارند؛ هر چند ظاهر و فرعشان با هم متفاوت باشد».^{۳۹۸} او با بیان حقیقت مذهب شیعه، همگان را به وحدت فرقه‌های اسلامی دعوت می‌کرد و می‌کوشید با افزودن مذهب شیعه جعفری به مذاهب چهارگانه، اسباب اختلاف میان اهل سنت و شیعیان را از میان بردارد. همچنین سعی می‌کرد با مقایسه‌ای علمی بین این پنج مذهب به مذهب واحدی برسد؛ از راه:

برگزاری همایشی سالانه که بزرگ‌ترین علمای اسلام از همه فرق در آن حضور یابند تا در آن برای رفع اختلافات قواعد ثابتی وضع کنند یا از میان همه مذاهب آنچه بهتر و به روح زمانه نزدیک‌تر است انتخاب کنند، به زیور تساهل بیاریند، با بند دلیل و حجت محکمش کنند تا برای همه مسلمانان مذهبی یگانه بیاورند؛ که دین نزد خداوند اسلام است و میان سنیان و شیعیان هیچ فرقی نیست. آنگاه که میان ایشان این اتحاد محکم برقرار شود، وحدت کلمه امت عربی نیز کاملاً برقرار می‌شود.^{۳۹۹}

^{۳۹۵} المصدر نفسه.

^{۳۹۶} فضلت (۴۱)/ ۳۴. ترجمه محمد مهدی فولادوند. (م)

^{۳۹۷} عهد جدید، انجیل لوقا، ۶/ ۲۷ و ۲۸. ترجمه فاضل خان همدانی. (م)

^{۳۹۸} «مختارات أدبیة و أخلاقية: «الدین و الأخلاق»، العرفان، المجلد ۳، ج ۵، ۱۹۱۱، ص ۱۷۰-۱۷۳.

^{۳۹۹} أ. الزین، «الفرق بین الفرق فی الإسلام»، العرفان، المجلد ۱۱، ج ۲، ۱۹۲۵، ص ۱۳۳.

دربارهٔ انسان‌ها

احمد الزین به یگانگی سرشت انسانی ایمان داشت. به باور او انسان‌ها از هر دین و نژاد و سرزمینی که باشند، با یکدیگر برادرند. در این باره می‌گوید: «خدمت به مردم خدمت به انسانیت است؛ چراکه انسانیت صفتی است که نوع بشر با آن تعریف می‌شود و انسان‌ها با هم برادرند، چه بخواهند، چه نخواهند».^{۴۰۰}

برآیند اندیشه‌های متعدد و متنوع احمد الزین و دیدگاه‌هایش در عرصه‌های گوناگون را چنین می‌توان خلاصه کرد:

الف) تلاش برای وحدت مسلمانان، پیش از وحدت عرب‌ها.

ب) تلاش برای وحدت عرب‌ها بر مبنای فضیلت و خیر برای تمام انسان‌ها، تا مقدمه‌ای باشد برای وحدت همهٔ ادیان.

ج) رد کردن هرگونه اسارت و بهره‌کشی و زور، به هر شکلی که باشد.

د) ضرورت تلاش برای تعلیم و تربیت و فرهنگ‌سازی و زبان‌آموزی به همهٔ افراد جامعه.

تألیفات

فراوانی و تنوع آثار و تألیفات احمد الزین او را ممتاز می‌کند. گرچه اغلب آثار او مقالات روزنامه‌ای است، می‌شود تألیفاتش را به دو دسته تقسیم کرد:

۱) تألیفات خودش یا دیگران.

۲) کار روزنامه‌نگاری که به هفته‌نامهٔ *جبل عامل* و مجلهٔ *العرفان* محدود می‌شود.

۱. تألیفات خودش یا دیگران

الف. کتاب‌هایی که تألیف و چاپ کرد:

- مختصر تاریخ الشیعه: در چاپخانهٔ مجلهٔ *العرفان* در سال ۱۹۱۴ در ۴۸ صفحه و به قیمت دو قرش چاپ شد.^{۴۰۱} این کتاب مجموعهٔ مقالاتی است دربارهٔ موقعیت شیعیان در نواحی مختلف که شیخ احمد الزین در مجلهٔ *العرفان* از شمارهٔ دوم دورهٔ پنجم (به تاریخ ۲۹ کانون

^{۴۰۰} أ. الزین، «خاتمة السنة الثالثة»، *العرفان*، المجلد ۳، ج ۱، ۱۹۱۱، ص ۲-۳.

^{۴۰۱} «المطبوعات الحديثة»، *العرفان*، المجلد ۵، ج ۹-۱۰، ۱۹۱۴، ص ۳۹۲.

الاول/ دسامبر ۱۹۱۳) می‌نوشت و منتشر می‌کرد.^{۴۲}

- *تاریخ صیدا*: احمد الزین سلسله مقالاتی در مجله *العرفان* درباره تاریخ صیدا نوشت که اولین آن‌ها در دوره اول مجله (۱۹۰۹) با عنوان «لمحة من تاریخ صیدا» منتشر شد. در این مقالات نویسنده خلاصه‌ای از تاریخ صیدا، از روزگار کهن تا اوایل قرن بیستم را بیان کرده بود.^{۴۳} این سلسله مقالات ذیل عنوان «صحف تاریخیه» در دوره‌های سوم و چهارم مجله ادامه یافت.^{۴۴} و ماده اصلی کتاب *تاریخ صیدا* شد که در سال ۱۹۱۳ در صدوهفتادوشش صفحه با قیمت شش قرش در چاپخانه مجله *العرفان* چاپ شد.^{۴۵} احمد الزین در این کتاب تاریخ صیدا را از آغاز شکل‌گیری‌اش، پیش از میلاد مسیح، تا زمان انتشار آخرین مقالاتی که در کتاب آمده است (یعنی سال ۱۹۱۱) بررسی می‌کند. این کتاب تجدید چاپ نشد و نایاب گشت.^{۴۶}

- *الحب الشریف*: احمد الزین در سال ۱۹۱۰ ستونی در مجله‌اش باز کرد با عنوان «روایه الشهر» و از شماره اول سال دوم شروع به نوشتن رمان کوتاهی در این ستون کرد به اسم «الحب الشریف».^{۴۷} سپس در سال ۱۹۲۳ این رمان هشتاد صفحه‌ای را در قطع کوچک چاپ کرد و آن را به مشترکان مجله *العرفان* هدیه داد و در داخل جلد آن نوشت که این کتاب رمانی ادبی، عاشقانه و اخلاقی است. موضوع رمان سرنوشت مردی است به اسم «حسن» که در خانواده اصیلی در شام بزرگ می‌شود. سپس نزد یکی از زمین‌داران بزرگ به حسابداری می‌پردازد و عاشق دختر او، حسنا، می‌شود. حسنا نیز به او علاقه‌مند می‌شود، ولی سنت‌ها و عادات اجتماعی نمی‌گذارد به وصال هم برسند. عشقشان پاک و شریف باقی می‌ماند و سرانجام رمان با مرگ حسن تمام می‌شود.

- علاوه بر این سه کتاب، شیخ احمد الزین می‌خواست خاطراتش را برای چاپ آماده و با

^{۴۲} این کتاب از بین رفته است. برای دیدن این مقالات باید به دوره پنجم مجله *العرفان* مراجعه کرد.

^{۴۳} أ. الزین، «لمحة عن تاریخ صیدا»، *العرفان*، المجلد ۱، ج ۳، ۱۹۰۹، ص ۹۷-۱۰۰.

^{۴۴} *العرفان*، المجلد ۳، الأجزاء ۴، ۶، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۹، ۱۹۱۱؛ المجلد ۴، الجزآن ۱، ۴، ۱۹۱۲.

^{۴۵} «مطبوعات *العرفان*»، *العرفان*، المجلد ۲، ج ۱، ۱۹۱۳، ص ۷۱-۷۷.

^{۴۶} أ. الزین، «تاریخ صیدا»، همان، فهرست کتاب، ص ۱۸۷-۱۸۸.

^{۴۷} أ. الزین، «روایه الحب الشریف»، *العرفان*، المجلد ۲، ج ۱، ۱۹۱۰، ص ۷۱-۷۷.

سلفی‌گری مصری در دوران انقلاب ۱۶۳

نام «شهران فی السجن» منتشر کند؛ ولی پشیمان شد و گفت «بسیاری از کج‌اندیشان را رسوا می‌کند؛ پس آن‌ها که زنده‌اند و بازماندگان آن‌ها که مرده‌اند خشمگین می‌شوند».^{۴۰۸} همچنین نزار الزین، فرزند احمد الزین، می‌گوید پدرش کتابی با عنوان *مختصر تاریخ صیدا* دارد،^{۴۰۹} ولی نسخه‌ای دست‌نویس یا چاپی از این کتاب به دست نیامده است.

ب. کتاب‌هایی که با همکاری دیگران چاپ و منتشر کرد:

- *العراقیات*: گزیده اشعار ده تن از شاعران مشهور عراق که با همکاری شیخ احمد رضا و شیخ سلیمان ظاهر و شیخ محمد رضا الشیبی گردآورده و مقدمه کتاب و زندگی‌نامه شاعران را نیز خودش نوشته است. این کتاب در سال ۱۹۱۳ در چند جزء در چاپخانه *العرفان* چاپ شد.^{۴۱۰}

- *الشیعه و فنون الإسلام*: شرح احوال، اقوال و تألیفات چندین تن از علمای شیعه عراق به قلم سید حسن صدر (۱۹۳۵ م.)، از علمای مشهور شیعه در عراق که در سال ۱۹۱۳ به هزینه سید عبدالحسین شرف الدین، شیخ احمد عارف الزین، شیخ احمد رضا و شیخ سلیمان ظاهر در صدوپنجاه صفحه و به قیمت شش قرش در چاپخانه *مجله العرفان* چاپ شد.^{۴۱۱}

- *سحر بابل و سجع البلابل*: دیوان سید جعفر حلّی (۱۸۹۷ م.) از علمای مشهور شیعی عراق. این دیوان را شخصی از مردم نجف تصحیح کرد و شرحی بر آن نوشت و کسانی را که نامشان در دیوان آمده بود (از علما، شعرا و نامداران) معرفی کرد. این کتاب در سال ۱۹۱۳ در قطع متوسط و چهارصد و شصت و شش صفحه به قیمت سه بشلک در چاپخانه *مجله العرفان* چاپ شد.^{۴۱۲}

ج. کتاب‌هایی که [تصحیح]، شرح و چاپ کرده است:

^{۴۰۸} أ. الزین، «السؤال و الجواب»، *العرفان*، المجلد ۳۳، ج ۳، ۱۹۴۷، ص ۳۴۲.

^{۴۰۹} *العرفان*، ۱۹۶۱، المجلد ۴۸، ج ۵-۶، ص ۴۱۳.

^{۴۱۰} «العراقیات»، فی «مطبوعات العرفان»، *العرفان*، المجلد ۵، ج ۱، ۱۹۱۳، ص ۳۹.

^{۴۱۱} ن. الزین، «مؤسس العرفان...»، همان، ج ۵-۶، ص ۴۱۳.

^{۴۱۲} «سحر بابل و سجع البلابل»، *العرفان*، المجلد ۲، ج ۱، ۱۹۱۰، ص ۶۰.

۱۶۴ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

- مجمع البیان فی تفسیر القرآن:^{۴۱۳} از ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (۱۱۵۳ م).^{۴۱۴} الزین در مقدمه جلد اول کتاب توضیح می‌دهد که چرا این کتاب را منتشر کرده است: آنچه مرا بر آن داشت تا دست به انتشار این تفسیر گرانقدر بزنم و دشواری‌ها را در این راه آسان کنم، خوبی اسلوب و سامان نیک آن بود؛ آن‌گونه که هرگز مانندش منتشر نشده است. از جهت دیگر، این تفسیر برای شیعیان امامیه مرجع است، دست به دست می‌شود و پژوهشگران به سراغش می‌روند. پس برای انتشارش عزم خود را جزم کردم و چه مشقت‌ها که دیدم و چه نداری‌ها که کشیدم.^{۴۱۵}

کتاب در پنج جلد و هر جلد بیش از پانصد صفحه در چاپخانه مجله العرفان چاپ شد که تعداد صفحاتش با فهرست‌ها به سه‌هزار صفحه می‌رسید. در تنظیم و آماده‌سازی کتاب، تعدادی از علمای شیعه با شیخ الزین همکاری کردند. جلد اول این تفسیر در سال ۱۹۱۵ و جلد پنجمش در سال ۱۹۳۷ چاپ شد.

- الوساطة بین المتنبی و خصومه: از قاضی علی بن عبدالعزیز جرجانی (۱۰۰۲ م). در سال ۱۹۱۰ شیخ الزین ستون تازه‌ای به نام «خبایا الزوایا» در مجله العرفان باز کرد برای انتشار مطالب مرتبط با موضوعات مجله که از کتاب‌های خطی و روزنامه‌های زیاده‌دیده به دست می‌آورد. شیخ احمد الزین در این ستون شروع کرد به انتشار فصل‌های کتاب الوساطة بین المتنبی و خصومه که آن را یکی از دوستانش از عراق برایش فرستاده بود.^{۴۱۶} مؤلف این کتاب، ابوالحسن علی بن عبدالعزیز مشهور به قاضی جرجانی، از ادیبان بزرگ قرن چهارم به شمار می‌رود. شیخ احمد الزین به تصحیح، شرح و تهیه فهرست‌های این کتاب اقدام کرد و آن را در

^{۴۱۳} از مشهورترین تفاسیر شیعه امامیه.

^{۴۱۴} سال ۱۱۵۳ میلادی بر طبق گاهنامه تطبیقی سه‌هزار ساله (بیرشک) مطابق ۵۴۸ ق. است. در منابعی همچون ریحانه الادب یا فرهنگ فارسی معین سال درگذشت طبرسی را ۵۴۸ ق. و سال تألیف این کتاب را ۵۳۶ ق. نوشته‌اند. - م.

^{۴۱۵} کلمة الناشر الشيخ أحمد عارف الزین فی مقدمه تفسیر مجمع البیان للطبرسی.

^{۴۱۶} «الوساطة بین المتنبی و خصومه للقاضی الجرجانی» فی «مطبوعات العرفان»، العرفان، المجلد ۵، ج ۱، ۱۹۱۳، ص ۳۵، ۳۹.

سال ۱۹۱۳ در چهارصد و شانزده صفحه و به قیمت سه چهارم ریال مجیدی در چاپخانه مجله *العرفان* منتشر کرد.^{۴۱۷}

۲. روزنامه‌نگاری

مجله *العرفان*

ماهنامه‌ای که شیخ عارف الزین آن را در سال ۱۹۰۹ در شهر صیدا برای خدمت به فرهنگ عربی و اسلامی و ادب و شعر و علم و تاریخ تأسیس کرد و به رقابت با مشهورترین مجلات داخلی عربی، مثل *الهلال* و *المقتطف* پرداخت و *العرفان* چراغی شد برای ادباء و علماء و شعرای جبل عامل و همه کشورهای عربی. *العرفان* در چهل و هشت مجلد (۱۹۶۰-۱۹۰۹)، در زمان حیات مؤسسش منتشر شد. هر مجلد شامل شماره‌هایی است که در طول یک سال منتشر شده است. گاهی مجبور می‌شدند شماره‌های یک سال را - که می‌بایست در یک جلد منتشر شود - به دو جلد تقسیم کنند؛ یعنی تعداد صفحات / شماره‌های یک سال آنقدر زیاد بوده است که دو جلدش می‌کرده‌اند. تعداد صفحات هر دوره، به سبب مسائل مالی و مشکلات سیاسی با قدرت‌های حاکم بین پانصد تا هزار و صد و شصت و هفت صفحه بسیار متغیر بود. به‌طور کلی می‌شود گفت که مجله *العرفان* هر سال در ده شماره چاپ می‌شد که مجموع آن‌ها را در مجلدی هزار صفحه‌ای گردآوری می‌کردند.

علاوه بر دشواری‌های بسیاری که مجله *العرفان* و مؤسسش در طول دوره‌هایی که بر لبنان گذشت با آن دست به‌گریبان بودند، مجله با دو جبهه در داخل و خارج درگیر بود؛ در داخل، با قدرت‌های حاکم بر لبنان و متحد نشدن لبنانی‌ها برای کمک مالی به مجله و حمایت از آن تا انتشار *العرفان* بتواند استمرار داشته باشد، و در خارج، ممنوع شدن ورود مجله به بسیاری از مناطق و کشورها.

در آغاز هزینه اشتراک سالانه مجله ثابت نبود و متناسب با ارزش پول رایج و زیاد شدن هزینه‌های زندگی مدام تغییر می‌کرد. ابتدا هزینه اشتراک یک ریال مجیدی در صیدا، دو ریال مجیدی در سرزمین‌های عثمانی، یک چهارم لیبره فرانسوی یا ده فرانک آلمانی در کشورهای

^{۴۱۷} أ. الزین، «تاریخ صیدا»، همان، ص ۱۵۳.

خارج از حکومت عثمانی بود.^{۴۱۸} با اتمام جنگ جهانی دوم و انتشار مجدد *العرفان*، بعد از وقفه‌ای سه ساله، هزینه اشتراک سالانه بیشتر شد و به ده لیره سوریه در لبنان و سوریه و دو دینار یا دو لیره انگلیسی در کشورهای دیگر و هشت دلار در ایالات متحده آمریکا رسید.^{۴۱۹}

مجله با کم بودن تعداد مشترکان و تأخیر آنان در پرداخت حق اشتراک مواجه بود و همین موجب می‌شد که نتوانند قیمت اشتراک مجله را ثابت کنند. ورود مجله به کشورهای آفریقایی تحت سلطه فرانسه، به سبب مطالبی که درباره استعمار و به خصوص درباره تونس می‌نوشت، ممنوع شد.^{۴۲۰} همچنین، بعضی حکومت‌های عربی از ورود این مجله به سرزمین‌هایشان جلوگیری کردند؛ از آن جمله عربستان سعودی و عراق، به سبب متهم کردن *العرفان* نوری السعید، رئیس جمهور وقت عراق، به یاری کردن جمال عبدالناصر (رئیس جمهور وقت مصر) که مخالف سیاست‌های حکومت عراق در آن زمان بود.^{۴۲۱}

همه این دشمنی‌های متعدد و متنوع که مؤسس *العرفان* را آزار می‌داد و راه روزنامه‌نگاری‌اش را دشوار می‌کرد، موجب انتشار درخواست‌هایی عاجزانه خطاب به مشترکان، نیکوکاران و عالمان و مهاجران برای کمک و حمایت از مجله می‌شد.^{۴۲۲} این امر نشان می‌دهد که *العرفان* صرفاً به مشترکان شیعه، عرب و مهاجران لبنانی در هر کجا که بودند، پشت گرم بود.

العرفان به موضوعات علمی، ادبی، اخلاقی و اجتماعی می‌پرداخت و هدف احمد الزین از انتشار آن‌ها خدمت به مردم و وطنش،^{۴۲۳} نشر علم و ادب، محکم کردن [پایه‌های] اخلاق، پاک کردن روان‌ها از آلودگی و دنبال کردن مسائل اجتماعی و عمرانی بود.^{۴۲۴} در دوره سوم مجله

^{۴۱۸} غلاف العدد الأول من المجلد الأول من مجلة العرفان، ۱۹۰۹.

^{۴۱۹} غلاف المجلد الحادی و الثلاثین من مجلة العرفان، ۱۹۵۳-۱۹۵۴.

^{۴۲۰} أ. الزین، «وذكر فإن الذكرى تنفع المؤمنين»، *العرفان*، المجلد ۴۰، ج ۱، ۱۹۵۲، ص ۲-۳.

^{۴۲۱} أ. الزین، «کلمتنا»، *العرفان*، المجلد ۴۶، ج ۱، ۱۹۵۸، ص ۳.

^{۴۲۲} أ. الزین، فاتحة المجلد ۲۹، من *العرفان*، ۱۹۳۹، ج ۱، ص ۳.

^{۴۲۳} أ. الزین، فاتحة المجلد الأول، من *العرفان*، ۱۹۰۹، ج ۱، ص ۳.

^{۴۲۴} أ. الزین، فاتحة المجلد الثاني، من *العرفان*، ج ۲، ۱۹۱۰، ص ۱-۲.

(۱۹۱۱) شیخ احمد الزین درباره هدفش از انتشار مجله می‌نویسد:

به فکر انتشار این مجله افتادم، چون دیدم که هموطنانم، به‌خصوص شیعیان، نیاز فوری به آن دارند؛ چراکه نشریه‌ای ندارند که به‌وسیله آن عقاید صحیح و زندگی‌نامه بزرگانشان را منتشر کنند و به آنچه جاهلان درباره‌شان می‌گویند پاسخ دهند.^{۴۲۵}

در جایی دیگر، نزار الزین، فرزند مؤسس *العرفان*، بر اولویت خدمت به شیعیان تأکید می‌کند آنجا که می‌گوید: «اولین علت موجودیتش کمک به شیعیان است...» و اضافه می‌کند: «ما به آن مفتخریم و دست از آن نمی‌کشیم؛ ثانیاً این‌که شیعیان مدافعان‌اند و نه مهاجمان».^{۴۲۶} مؤسس *العرفان* در کتاب *تاریخ صیدا* هدفش از تأسیس این مجله را چنین توضیح می‌دهد: «وقتی [الزین] دید که روزنامه‌ای در سرزمین صیدا وجود ندارد، مجله‌ای بنیان نهاد و آن را *العرفان* نامید»^{۴۲۷} و در مقدمه شماره هشتم از سال ۱۹۲۲ *العرفان* می‌نویسد: «انگیزه اصلی من از تأسیس این مجله تمایل غریزی‌ام به روزنامه‌نگاری و عشق خدمت به وطن و مردم بود».^{۴۲۸}

مجله *العرفان* به‌علت تنوع مطالب و موضوعاتش متمایز بود. به هر موضوعی مفصل می‌پرداخت و درباره آن بحث می‌کرد. این موضوعات یا عمومی بودند یا مختص مجلاتی همچون *العرفان*. همین موضوعات متنوع بودند که مجله را پربار می‌کردند. احمد الزین در این باره می‌گوید که از «سنت آفرینش و قانون پیشرفت و توسعه» پیروی می‌کرده است.^{۴۲۹} مجله توانست بسیاری از متفکران لبنانی و متفکرانی که مهاجرت کرده بودند و متفکران دیگر سرزمین‌های عربی و اسلامی را به خود جذب کند.^{۴۳۰} جذب این افراد جمع بزرگی از نویسندگان پدید آورد که مجله را در پیمودن مسیرش یاری می‌کردند.

^{۴۲۵} أ. الزین، «صاحب *العرفان* يتحدث عن سيرته الشخصية»، *العرفان*، المجلد ۳، ۱۹۱۱، ص ۸۶۱.

^{۴۲۶} ن. الزین، «تحت المجهر»، *العرفان*، المجلد ۴۸، ج ۳، ۱۹۶۰، ص ۲۱۵.

^{۴۲۷} أ. الزین، «تاریخ صیدا»، همان، ص ۱۵۳.

^{۴۲۸} أ. الزین، «فاتحة المجلة»، *العرفان*، المجلد ۱، ۱۹۲۲، ص ۸.

^{۴۲۹} أ. الزین، «افتتاحية المجلة»، *العرفان*، المجلد ۱، ج ۱، ۱۹۰۹، ص ۳.

^{۴۳۰} در نوشتن *العرفان* نویسندگانی از لبنان، سوریه، عراق، ایران، مصر و اردن و کشورهای مهاجرپذیر همکاری می‌کردند. همچنین جمع کثیری از نویسندگان زن هم با این مجله همکاری داشتند.

نشریه جیل عامل

هفته‌نامه‌ای هشت صفحه‌ای در قطع بزرگ که احمد عارف الزین منتشر می‌کرد و نامش را از آن روی جیل عامل نهاده بود که به موضوعات مربوط به جیل عامل می‌پرداخت. انتشارش از روز پنج‌شنبه ۲۸ کانون الاول / دسامبر ۱۹۱۱ م. آغاز شد، ولی به علت مشکلات مالی و فشار رقبا بیش از یک سال منتشر نشد. دقیقاً چهل‌وسه شماره از آن منتشر شده بود که در سال ۱۹۱۲ بعد از حکم حاکمان عثمانی علیه مدیرش به تهمت افترا و بدگویی،^{۴۳۱} به مدت یک‌ماه ونیم توقیف شد و در پنجم کانون الاول / دسامبر ۱۹۱۲ کاملاً توقیف شد.

الزین عوامل توقیف جیل عامل را چنین بیان می‌کند: هم‌صدا نشدن [مردم] با دعوت اصلاح‌طلبانه‌ای که الزین منادی آن بود و آن را در مجله‌اش دنبال می‌کرد و زیان‌های متعدد در نشر مجله در نتیجه توزیع بد آن، نداشتن وکلای صادق و علاوه بر این‌ها تأخیر مشترکان در پرداخت بدهی خود.^{۴۳۲}

هزینه اشتراک سالانه جیل عامل یک‌ونیم ریال مجیدی در جیل عامل و دو ریال مجیدی در دیگر کشورهای عثمانی بود.

هدف از انتشار این نشریه «توجه به نشر اخبار جیل عامل و نواحی اطرافش و توجه به امور و منافع خاص علمی، ادبی، تجاری و زراعی این ناحیه»^{۴۳۳} بود. وجود جیل عامل در همان یک سال انتشارش به بیداری مردمان کمک کرد؛ در دوره‌ای که امید بعضی ادبا و بزرگان سرشناس جیل عامل و عده‌ای دیگر از تابعان دولت عثمانی، که آمالشان را بر انقلاب جوانان ترکیه بنا کرده بودند، ناامید شده بود و منتقد حکومت بودند. جیل عامل نیز همین موضع را اتخاذ کرد و آن را در جیل عامل گسترش داد و مردمی که آن را می‌خواندند و مطالبش را دنبال می‌کردند، بحث و جدل درباره مسائل عمومی را در قهوه‌خانه‌ها و جمع‌های خانگی آغاز کردند. چنین بود که جیل عامل و العرفان به ایجاد اندیشه عمومی در این منطقه، که پیش از آن نشریه‌ای در آن منتشر نشده بود، کمک کردند. علاوه بر این، پرداختن به امور روزمره بهترین

^{۴۳۱} «العرفان فی ربع قرن»، العرفان، المجلد ۲۵، ۱۹۳۵، ص ۸۸۵

^{۴۳۲} جریده جیل عامل، العدد ۴۳ (۲۵ ذی الحجه ۱۳۳۰ ق. / ۵ کانون الاول (دیسمبر) ۱۹۱۲ م.)، ص ۳.

^{۴۳۳} جریده جیل عامل، العدد ۱ (۷ محرم ۱۳۳۰ ق. / ۲۸ کانون الاول (دیسمبر) ۱۹۱۱ م.)، ص ۱.

وسیله آشنا کردن ساکنان جبل عامل با خواندن روزنامه و [در نتیجه] تبدیل شدن آن به مرجعی برای ایشان بود.^{۴۳۴}

حاکمان بر روزنامه *جبل عامل*، به سبب جسارت و دعوت دائمی‌اش به اصلاحات، متحد شدند و مترصد فرصتی بودند تا سرانجام صاحبش را دستگیر کردند و به بیروت بردند و در دادگاه نظامی به جرم انتقاد از دادگاه نظامی برای دستگیر کردن محمد الباقر، صاحب نشریه *البلاغ*^{۴۳۵}، به یک‌ماه و نیم حبس و تعطیل شدن نشریه‌اش در آن مدت، همچنین پرداخت ده لیره عثمانی محکوم کردند. انتشار مجدد این نشریه دوام چندانی نیافت تا آنکه نزار الزین، فرزند عارف الزین، دوباره آن را (در ۱۹ حزیران/ یونیو ۱۹۶۱) در قالب *ضمیمه العرفان* منتشر کرد.^{۴۳۶}

نگاه اجمالی

از خلال زندگی احمد عارف الزین و فعالیت‌های گوناگون و تألیفاتش می‌فهمیم که او با دانش و فرهنگی گسترده، از خانواده‌ای اصیل، شیعه و لبنانی بود. چند زبان را به خوبی می‌دانست و به فعالیت‌های بزرگ اجتماعی پرداخت و به تأسیس چند گروه خیریه، علمی و شیعی در جبل عامل کمک کرد و نقش مؤثری در جامعه‌اش داشت.

در راه استقلال با عثمانی‌ها و فرانسوی‌ها مبارزه کرد. به سبب جهت‌گیری‌هایش در برابر استعمار بسیار رنج برد و زندگی‌اش بارها به خطر افتاد. نشریات او، *العرفان* و *جبل عامل*، توقیف و چاپخانه‌اش بارها تعطیل شد.

در چند همایش محلی، در سطح منطقه‌ای و در سطح کل سرزمین‌های عربی، شرکت کرد. به زبان عربی فصیح بسیار علاقه داشت و عرب‌ها را دعوت می‌کرد تا آن را به عنوان زبان واحد برای حفظ اتحاد قومی‌شان به کار گیرند. همچنین آن‌ها را به بافرهنگ کردن جوانان و تعلیمشان دعوت می‌کرد؛ چراکه در نظر او این کار راه صحیح پیشرفت و سعادت ملت بود. از

^{۴۳۴} صابرینا میرفان، *حركة الإصلاح الشیعی*، ترجمه عن الفرنسیه هیثم الأمين، بیروت: دار النهار، ۲۰۰۰، ص

۱۸۶-۱۸۷.

^{۴۳۵} *جريدة جبل عامل*، العدد ۲۰ (جمادی الثانیة ۱۳۳۰ ق. ۳۱/ أیار (مایو) ۱۹۱۲ م)، ص ۶.

^{۴۳۶} مکی، «الحركة الفكرية والأدبية...»، همان، ص ۲۰۶.

ضرورت تعلیم زنان و ساختن مدرسه برایشان قبل از مردان سخن می‌گفت؛ زیرا معتقد بود آن‌ها تربیت‌کنندگان فرزندان و آیندگان هستند.

الزین مردمان را به دین دعوت می‌کرد تا امور جهان سامان گیرد و هرج و مرج حاکم نشود. برای نزدیکی و برادری مذاهب چهارگانه اهل سنت و مذهب شیعه جعفری تلاش می‌کرد. به یگانگی ذات انسانی ایمان داشت و معتقد بود انسان‌ها در هر کجا که باشند با هم برادرند.

الزین به تاریخ توجه می‌کرد و در این حوزه دو کتاب نوشت و ده‌ها مقاله که در مجله *العرفان* منتشر شده است. یک رمان کوتاه منتشر کرد و در انتشار دو متن فرهنگی کهن در چاپخانه‌اش سهیم بود. با دیگران در انتشار چند کتاب همکاری کرد. انتشار مجله *العرفان*، اولین مجله شیعی که در جبل عامل به زبان عربی منتشر شد، از دیگر کارهای اوست. شهرت بسیاری در منطقه خودش و در سرزمین‌های عربی به دست آورد. نشریه *جبل عامل* را منتشر کرد. شعرهایی پراکنده سرود و در *العرفان* چاپ کرد.

در یک کلام، می‌توان گفت او در بیشتر زمینه‌ها رهبر و پیشگام بود. شیخی مقاوم، روزنامه‌نگاری پیشرو، ادیب، شاعر، اندیشمندی آزاده و از مصلحان اجتماعی بود. حال که همه این صفات در یک نفر در زمانه خودش جمع شده است، خطا نکرده‌ایم اگر او را یکی از پیشگامان نهضت در جبل عامل بدانیم.